

ناگفته‌هایی درباره آثار فارسی منسوب به شیخ بهایی

دکتر محسن محمدی فشارکی*، فاطمه قیومیان محمدی**

چکیده

این‌که از شیخ بهایی به جز تألیفات متعدّد به زبان عربی، آثاری نیز به زبان فارسی به جا مانده، امری مسلم است. اما طی گذشت زمان آثار دیگری نیز باشتباه به وی منسوب شده است. این مقاله باختصار به معرفی این آثار منسوب و بررسی موارد انتساب آن‌ها خواهد پرداخت. آثاری که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته است، عبارتند از: «طوطی‌نامه»، «نان و پنیر»، «نان و خرما»، «مثنوی شیخ ابوالپشم»، «منظومه در تعبیر رؤیا»، «مثنوی رموز اسم اعظم» و رساله منثور «پند اهل دانش و هوش به زبان گریه و موش».

واژه‌های کلیدی

شیخ بهایی، شعر و نثر دوره صفوی، نظم و نثر فارسی.

مقدمه

نام و آوازه‌ای که بهاء‌الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد مشهور به شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰ ه.ق.)، در میان خاص و عام از عرب و عجم، از خود به جا گذاشته است، ما را از هرگونه شرح و توضیح درباره وی بی‌نیاز می‌کند. یکی از نکته‌های مبهمی که درباره شیخ بهایی، وجود دارد این است که وی با تمام شهرت و مقام و منصبی که در دربار صفوی کسب کرده بود و با وجود این که جمیع خلایق از شأن و مقام علمی و معنوی اش آگاه بودند، کسی از معاصران، آن چنان که باید، اهمیتی به گردآوری آثار گران‌بهای او نمنوده است. گاه بسیاری از نوادر و رویدادهای شگفت و گاه اختراع یا تألیفی را به وی منسوب کرده‌اند. یا این که به صرف ملاحظه شباهتی مختصر میان اثری با یکی از آثار مسلم شیخ، آن را هم بدون هیچ شائبه تردیدی از آثار مسلم او شمرده‌اند.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان Fesharaki311@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان Ghayoomian.m@gmail.com

در مطالعه منابع زندگانی او، آنچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد، بیش از صد عنوان اثر به زبان عربی و فارسی است که از بسیاری از آن‌ها چیزی جز نام در دست نیست؛ اما آنچه در این‌جا موضوع بحث ماست، آثار فارسی منسوب به شیخ بهایی است؛ می‌گوییم منسوب چون صحت انتساب آن‌ها به شیخ بهایی همواره محل تردید بوده و هست. این آثار عبارتند از «طوطی نامه»، «نان و پنیر»، «نان و خرما»، «مثنوی شیخ ابوالپشم»، منظومه «رموز اسم اعظم»، «منظومه در تعبیر رؤیا» و «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش». لازم است به این نکته نیز اشاره شود که «نان و حلوا»، «شیر و شکر»، «جامع عباسی»،^۱ «تحفه»^۲ و نیز اشعاری که به زبان فارسی در کشکول آمده و به نام شیخ بهایی ثبت شده است، تقریباً از آثار مسلم شیخ بهایی به زبان فارسی هستند. بنابراین موضوع بحث این مقاله نخواهند بود.

طوطی‌نامه

یکی از آثار منسوب به شیخ بهایی، مثنوی بی نام و نشانی است که در هیچ یک از منابع احوال و آثار بهایی، از میانه عصر صفوی تا تاریخ کتابت نسخه این منظومه، نامی از آن در میان نیست. نفیسی، در کتاب احوال و اشعار شیخ بهایی، از این که این نسخه نادر را به واسطه دوست ادیب و شاعر خود، یحیی ریحان، یافته اظهار خرسندی نموده است و از آن‌جا که نامش معلوم نبوده آن را به طور موقت، «طوطی نامه» نامیده است. آل داود در سال ۱۳۷۸ در مقاله‌ای با عنوان «طوطی نامه منسوب به شیخ بهایی، تصحیح یک اشتباه» پرده از حقیقت این مثنوی برداشت. وی در این مقاله یادآور شد که «طوطی نامه»، پاره‌ای از مثنوی «طاق‌دیس» ملا احمد نراقی است که «صفایی» تخلص می‌کرده است. گویا یکی از کاتبان که نتوانسته این تخلص را بخواند آن را به بهایی تغییر داده است. پس از آل داود، صدرایی خوبی نیز (در سال ۱۳۸۶) در مقاله‌ای که در نشریه حدیث اندیشه منتشر شد، به این مطلب اشاره کرد.

نان و پنیر

مثنوی نان و پنیر ۳۰۲ بیت دارد و در نه فصل با موضوعات ذیل تنظیم شده است: نکوهش منتقدان حکمت و فلسفه، عقل، علم، تحقیق و جست و جوی حقیقت، فطرت، توحید، رابطه تکلیف و شوق، ماهیت چیزها، هماهنگی حقیقت اشیا با صفات آن‌ها و خاتمه کوتاهی در ۶ بیت در قالب مناجات با خداوند. این مثنوی بارها به نام شیخ بهایی به چاپ رسیده و تقریباً همه جا به نام او معروف است، ولی دقت در محتوا و نسخه‌های خطی به جا مانده از این اثر، روشن می‌کند که این مثنوی نمی‌تواند چکیده قلم شیخ بهایی باشد. بحث درباره تمام دلایلی که بر پایه آن‌ها انتساب این مثنوی به شیخ بهایی رد می‌شود، بسیار طولانی است و خود مجال دیگری می‌طلبد. در این‌جا تنها به اطلاعاتی که از نسخه‌های خطی به دست آمده است، اکتفا می‌شود.

نسخه‌های خطی و چاپی

از این اثر، چهار نسخه خطی در پایگاه اینترنتی آغابزرگ ثبت شده که هر چهار نسخه به نام «رفیعا گیلانی» است (رک: <http://aghabozorg.ir/showbookdetail.aspx?bookid=30676>):

- مربوط به سده ۱۱ هجری، در کتابخانه دایرة المعارف بزرگ اسلامی، به کد (گ) ۲۲۵-پ ۲۳۱، متن و هامش). نام

مؤلف کتاب «میرزا رفیع گیلانی» ثبت شده است.

- مربوط به سال ۱۲۷۳ق. در کتابخانه دایرة المعارف بزرگ اسلامی، به کد (۱۲) ۱۸۷ در مجموعه (گ) ۲۲۲پ- ۲۳۱پ، متن و هامش). تحریر محمد باقر منشی، مشهور به ندیم. در این نسخه نام مؤلف (شاعر) اثر، «محمد رفیع بن محمد مؤمن گیلانی» متخلص به «رفیعا»، در دیباچه آن آمده است. مؤلف در دیباچه کتاب می‌گوید: «این اثر را در تتبع «شیر و شکر» شیخ بهایی ساختم» (۱).

- بی‌تا، در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، با کد: ۴۳پ-۳۲ر.

- بی‌تا، در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری سپهسالار، ۷۲۰۷: ش ۳ دفتر، ۸۵-۹۶پ.

ناجی نصرآبادی، هیچ نسخه خطی از این اثر نام نبرده؛ ولی مطابق ضبط او، این مثنوی هفت مرتبه و هر بار به نام شیخ بهایی به چاپ رسیده است. اولین چاپ تاریخ‌دار این اثر در استانبول در سال ۱۲۸۲ق. انجام شده و جدیدترین چاپ آن نیز به سال ۱۳۸۵ در تهران به وسیله نشر «آگاهان ایده» بوده است (رک: ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۵۴).

انتساب

در تأیید انتساب این اثر به شیخ بهایی هیچ مدرک و سند معتبری در دست نیست، جز این که چند بار به نام او چاپ شده است. در سال ۱۳۴۶، این اثر در مصر به همراه «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» چاپ شد و منزوی در نامه‌ای به آقای جیوانی، استاد فارسی دانشگاه ناپل، ضمن این که پند اهل دانش و هوش را همان موش و گربه عبید زاکانی دانست، نوشت که نان و پنیر را که وی جزء آثار شیخ بهایی معرفی کرده، از ملّا رفیعا نائینی^۳ عارف و صوفی است که درست نقطه مقابل عقاید شیخ را داشته است. وی ادامه می‌دهد: «در کشاکش جنگ‌های قلمی که میان صوفیان و فقیهان در قرن یازدهم جریان داشته است، دولت صفوی و علمای درباری، بر ضدّ صوفیان بودند و شیخ بهایی که سمت درباری داشت، «نان و حلوا» را در دفاع از سنت‌گرایی و تقشّر و بر ضدّ عرفان و اشراق حادّ صوفیان نظم کرد (؟). پس ملّا رفیعا، نان و پنیر را در جواب بهایی و دفاع از عرفان حاد سرود (؟) و در مقدمه نثری که بر آن نوشته، جریان را شرح داده است؛ ولی ناشر مصری این مقدمه را که شامل اسم ناظم اصلی (رفیعا نائینی) وردّ مؤذّبانه بر شیخ است، حذف کرده است» (منزوی، ۱۳۵۸:).

نکته‌هایی که علی نقی منزوی در این نامه به آن‌ها اشاره کرده، از چند جهت قابل بررسی است. یکی این که نان و حلوا، مثنوی دلنشین است که شیخ بهایی نه در ردّ بر گروهی خاص، که در درجه اول برای خاطر خود و در تنبیه نفس خویش نگاشته و نه تنها آن را در دفاع از سنت‌گرایی و تقشّر نسروده است؛ بلکه در آن علم رسمی را نکوهش می‌کند و علم حقیقی را «علم عاشقی» می‌داند. مضمون نان و حلوا، بر ضدّ صوفیه نیست و اتفاقاً هیچ مطلبی دالّ بر دفاع از سنت‌گرایی و تقشّر و مخالفت با عرفان و اشراق صوفیان در آن درج نشده است و البته محتوای آن بر مدار دزدگی از علوم رسمی و اشتیاق به عزلت و قطع علائق از دنیا و مافیها می‌گردد. نان و پنیر هم همان طور که منزوی اشاره کرده ردّ مؤذّبانه بر شیخ است؛ اما در دفاع از عقل‌گرایی و علوم رسمی چون فلسفه و حکمت، نه دفاع از عرفان حادّ صوفیه و البته در هیچ یک از این دو مثنوی نشانی از تندروی در اثبات عقیده نیست و روی هم رفته در بیان فکر، طریقی مقتصدانه پیش گرفته‌اند.

این که «گربه و موش» منثور منسوب به شیخ بهایی را موش و گربه عبید زاکانی دانسته، عجیب است. همین اشتباه در الذریعه نیز آمده است و به نظر می‌رسد، منزوی این اشتباه را از همین اثر گرفته باشد. آغابزرگ در الذریعه ذیل «نان و پنیر»، نوشته است که این اثر با «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» در مصر چاپ شده است و هر دو به شیخ بهایی منسوب شده‌اند؛ حال آن‌که در واقع «پند اهل دانش و هوش» از «عبید زاکانی» است و «نان و پنیر» از «میرزا رفیع بن مؤمن گیلانی» (رک: آغابزرگ، ۱۴۰۶: ۲۴، ۳۰). نکته دیگر این‌که با وجودی که آغابزرگ در الذریعه، «نان و پنیر» را از «رفیعا گیلانی» دانسته، پسرش آن را به «رفیعا نائینی» نسبت داده است (!) و این اشتباه نیز می‌تواند ناشی از تشابه اسمی این دو تن باشد.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، تمام نسخ خطی این اثر به نام «رفیع بن محمد مؤمن گیلانی» است و احتمالاً همان‌طور که آغابزرگ در الذریعه می‌گوید، ناشر این اثر در مصر، دیباچه منثور «نان و پنیر» را که شامل نام سراینده است، حذف کرده و آن را به نام شیخ بهایی چاپ کرده است. متأسفانه گویا تمام این دیباچه تا کنون منتشر نشده، در این‌جا آنچه از این دیباچه به دست است، نقل می‌شود:

«این خرده ریزه ایست که از خوان افادت اخوان ریخته بود، فراهم آورده در سلک نظم منتظم ساخته در ردّ فقها و متکلمان عامی که مذمت حکمت حقه نموده‌اند. اگرچه شیخنا بهاء‌الملّه و الدین به حسب صورت با ایشان موافقت دارد؛ اما به حسب معنی فی البین بعد المشرقین که غرض آن‌ها ترویج مسائل کلامیه مبنی بر مسلمات و مشهورات بین معتزله و اشعریه است و قصد حضرت شیخ اعلی‌شان، ترویج علم اهل ايقان است. اَعْنَى اصحاب اسرار امیرالمؤمنین(ع)، مثل سلمان و ابوذر و مقداد و کمیل و رشید هجری و میثم تمار و بالجمله غرض شیخ ترجیح علم حالی است، بر علم مقالی چنان‌که در «شیر و شکر» و «نان و حلوا» فرموده. در این مثنوی فقیر، احتذا به مثنوی نان و حلوا شیخ شده مسمی به نان و پنیر و مخاطب آن صاحب «تهافت الفلاسفه» و احزاب اوست از فقیهان و متکلمان اهل سنت...» (آغابزرگ، ۱۴۰۶: ۲۴؛ ۱۴۰۸: ۲۸).

علاوه بر نکات یاد شده این نکته نیز گفتنی است که نسخه‌ای خطی با نام «نان و پنیر» به نام «مولی رفیع بن فرج گیلانی مشهدی» متوفی دهه شصت قرن دوازدهم وجود دارد. آغابزرگ در این‌باره یادداشت کرده است که شاید این انتساب به خاطر شباهت اسمی این شخص با «رفیع بن مؤمن» باشد (رک: همان، ۲۴ و ۳۰).

نان و خرما

این اثر، مثنوی بلندی است در ۲۳۲۶ بیت با مضمون پند و اندرز که شاعری شیعی آن را به پیروی از نان و حلوا شیخ بهایی، در بیان سوانح سفر حجاز سروده است. این مثنوی اگرچه بسیار طولانی‌تر از نان و حلواست؛ ولی از جهت ساختار و مضمون، نزدیکی بسیاری با نان و حلوا شیخ بهایی دارد؛ به طوری که می‌توان گفت تقلید مستقیمی است، از مثنوی شیخ بهایی، هرچند بیان آن در شیوایی و سادگی هرگز به پای کلام شیخ در نان و حلوا نمی‌رسد.

نسخه‌های خطی و چاپی

مطابق ضبط محسن ناجی در کتاب شناسی شیخ بهایی، این اثر یک‌بار به سال ۱۳۲۸ در اصفهان با «نان و حلوا» و «شیر

و «شکر» و «نان و پنیر»، چاپ شده است (رک: ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۵۴). اما هیچ نسخه‌ای از این چاپ به دست نرسید. نسخه‌های خطی این اثر عبارتند از:

- نسخه‌ای مربوط به سال ۱۲۶۰ ق. در کتابخانه ملی ایران، به شماره ۲۰۹-۴۷۲/ج ۶۸۷.

- در پایگاه اینترنتی آغابزرگ، نسخه‌ای از این اثر نام برده شده که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۵۲۱۴ نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت این نسخه قرن سیزده (ظاهراً ۱۲۴۴) ثبت شده است. ذیل اطلاعات این نسخه، تعداد ابیات آن، دو هزار و پانصد بیت ضبط شده و گفته شده که «این اثر را «پروانه»، در بیان سوانح سفر حجاز آمیخته با پند و اندرز سروده است. در پایان این مثنوی، چیستانی منظوم با وزنی دیگر وجود دارد با عنوان «خاتم الکتاب لإمتحان أذهان الأجباب»، که آن را نیز سراینده نمان و خرما سروده است» (رک: <http://aghabozorg.ir/showbookdetail.aspx?bookid=99175>).

خوشبختانه نسخه‌ای خطی از این اثر، متعلق به مجلس شورای ملی که به مجلس شورای اسلامی انتقال یافته است، به دست آمد که به نام شیخ بهایی به ثبت رسیده است. این مثنوی در بحر «رمل مسدس محذوف» سروده شده است و با ابیات:

حمد بی حد و سپاس بی قیاس هم ستایش کان بود محکم اساس
مر خداوند قدیم لا یزال بی شبیه بی نظیر بی مثال
(شیخ بهایی، بی تا: ۲)

آغاز می‌شود و با ۱۷ بیت تحت عنوان «خاتم الکتاب لإمتحان أذهان الأجباب» که بر خلاف گفته آغابزرگ، بر همان وزن مثنوی سروده شده است ادامه می‌یابد. شروع این چیستان منظوم با این بیت است:

چیست ای صاحب شعور نکته سنج آن که باشد پنج و هم پنجاه و پنج
(همان، ۱۶۹)

سراینده این منظومه در ۶۶ بیت پایانی آن، به تک تک چهارده معصوم توسل نموده و ابیاتی آورده است که وزن و حتی گاه قالبی متفاوت از اصل مثنوی دارند. در انتهای این نسخه، قصیده‌ای از سید اسماعیل حمیری در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) و در بحر سریع، درج شده است که شاید کاتب آن را ضمیمه کرده باشد. تاریخ کتابت نسخه در ترقیمه انتهای آن به این صورت آمده است: «قد تمّت بالکتاب المسمی بنان و خرما فی تاسع ربیع الثانی سنه ۱۱۴۴». پس به احتمال زیاد تاریخ آن باید ۱۱۴۴ ق. باشد (؟). در مورد تاریخ نظم آن در این مثنوی، ماده تاریخی وجود دارد که متأسفانه تاریخ درستی از آن استنباط نشد:

نظم موزون لطیف این نکته دان بیسر دوشمن بود تاریخ آن
(همان، ۱۶)

اگر «نظم موزون لطیف» را بر اساس حروف ابجد حساب کنیم سال ۱۲۲۸ به دست می‌آید که البته با تاریخ کتابت نسخه همخوانی ندارد و نیز این سؤال پیش می‌آید که منظور شاعر از عبارت «بیسر دوشمن» چیست؟ نسخه‌ای خطی از این اثر، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران موجود است که مطابق با ثبت آغابزرگ، به نام شاعری با تخلص «پروانه» و مشهور به «بهایی لاهیجی» است. تاریخ کتابت این نسخه، سال ۱۲۶۰ هـ. ق. ثبت شده است. این مثنوی در سال ۱۲۳۰ هـ. ق. سروده شده است.

انتساب

شاعر در این مثنوی اذعان می‌کند که این مثنوی را به احتدای نان و حلواى شیخ بهایی سروده است. وی در ضمن ابیات این مثنوی، شیخ بهایی را می‌ستاید و او را از اتهام تصوف می‌رهاند. و این همان نکته‌ای است که مسأله انتساب نان و خرما به شیخ بهایی را به طور قطع رد می‌کند.

باب‌ها در معانی سفته بود	شیخ ما چون نان و حلوا گفته بود
تا فتد در ذوق اهل دل پسند	نان و خرما ساختم شیرین چو قند
نان و خرما کمتر از حلوا و نان	نیست اندر بادیه نی ظرف و خان
تا به دست آورده‌ام ذره‌ای بکر...	غوطه‌ور گشتم بسی در بحر فکر
(همان)	
از بهایى کرده‌ام کسب بها	من در این ذردانه‌های بی‌بها
مقتدای زمرة اصحاب حال...	شیخ ما سرحلقه ارباب حال
(همان)	

مطابق با نسخه‌ای که در کتابخانه ملی از این اثر موجود است و آغابزرگ تهرانی راجع به آن نوشته است که « به نام شاعری با نام شعری «پروانه» و مشهور به «بهایی لاهیجی» است. باید به احتمال قوی این مثنوی را از آن همین بهایی لاهیجی دانست(؟):

می‌کنم از ماسوا بیگانگی	«گر دهی «پروانه» را پروانگی
در دم شکر شکر ریزی کند»	طوطی طبعم سحرخیزی کند
(همان، ۱۶۷-۱۶۸)	

مثنوی فارسی دیگری نیز به همین نام وجود دارد که گویا از ملّا محمد علی بن ملک حسن فراهانی است و ابیات آن را ۲۵۰ بیت نوشته‌اند. آغابزرگ در الذریعه از این اثر یاد کرده و گفته است که نسخه آن در کتابخانه سید حسین شهشهرانی در تهران نگهداری می‌شود(رک: همان: ۲۴، ۳۱).

مثنوی شیخ ابوالپشم

شیخ ابوالپشم منظومه‌ای است در ۷۷ بیت با زبانی عامیانه و ساده. ماجرای شیخ شکم پرست و بی‌چیزی است که برای خوردن کیپا، پوستین خود را به گرو می‌گذارد و شب هنگام از شدت سرما به خواب نمی‌رود و به یاد پوستین خود می‌افتد و مرد کیپایی را نفرین و با خدا راز و نیاز می‌کند.

نگارندگان نام این مثنوی را اولین بار در کتاب «از گذشته ادبی ایران» دیده‌اند. در این کتاب، زرین‌کوب نام این مثنوی کوتاه را در کنار نان و حلوا و شیر و شکر و طوطی نامه و موش و گربه به عنوان مثنوی‌های فارسی شیخ بهایی آورده است(رک: زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۳۹۷؛ ۱۳۷۱: ۱۲۹). آغابزرگ تهرانی نیز در الذریعه درباره این مثنوی نوشته است: «للسیخ بهایی. مثنوی فی المطایبات یوجد ضمن المجموعات الشعریه بکتیر» (آغابزرگ، ۱۳۸۱: ۱۹، ۳۳۰). ولی برخلاف گفته

آغازبرگ این مثنوی نه تنها در هیچ کدام از مجموعه‌های شعری عصر صفوی به دست نیامد؛ بلکه نسخه‌های آن نیز بسیار نادر بود. اتفاقاً نگارنده نام این مثنوی را در وبگاه مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان دید. این مثنوی با این ابیات آغاز می‌شود:

«بشنو این قصّه را تو از
تا بگیرد دمی تو را خنده
قصّه بس لطیف و روح افزا
خوش‌تر از شهد و شکر و حلوا
(شیخ بهایی، بی تا: ۲)

و ابیات پایانی آن از این قرار است:

جمله دوستان مفلّس را
خاصّه این بی‌نوا بی‌کس را
در دو عالم دهی ز لطف پناه
بسه ولای علی ولی الله
(شیخ بهایی، بی تا: ۸)

نسخه‌های خطی و چاپی

ناجی نصرآبادی، دو نسخه خطی از این مثنوی، یکی در تملک آقای حافظیان (قم) و دیگری در کتابخانه آیه الله مرعشی را نام برده است. نسخه‌ای که در تملک آقای حافظیان است، تحریر محمدعلی اصفهانی و مربوط به سال ۱۳۱۵ است و نسخه کتابخانه مرعشی، تاریخ ندارد (رک: ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۴۴).

از این اثر دو نسخه خطی نیز با عنوان «منظومه مذمت شکم پرستان» (=مثنوی در مطایبه = قصیده در هجو فرد اکول و شکم خوار = منظومه شیخ ابوالپشم) در کتابخانه مجلس (بهارستان) موجود است که به نام «ابوالبرکات منیر بن عبدالمجید لاهوری ملتانی» (م. ۱۰۵۴ هـ) ثبت شده است. این دو نسخه به شماره ۲۴۲۸/۲ و ۲۹۹۲/۳، در این کتابخانه نگهداری می‌شود (رک: متقی، ۱۳۸۸: ۷۱۶-۷۱۷).

نسخه‌ای از این مثنوی، یک‌بار با عنوان «حکایت خوش عبارت جناب شیخ ابوالپشم» به چاپ سنگی رسیده است و یک بار نیز به صورت چاپ سنگی در کنار «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، به همراه دو بیت‌های باباطاهر عریان و حکایت مرد ساده لوح با عنوان «سرگذشت شیخ ابوالپشم» منتشر شده است. این کتاب تحت عنوان «نان و حلوا» و با شماره بازیابی ۱۷۹۰۱۸، اث ۱۷۶۴۲، در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. این منظومه با عنوان «نان و حلوا و شیر و شکر و سرگذشت جناب شیخ ابوالپشم و غیره» نیز در ۵۵ صفحه به چاپ سنگی رسیده است که به شماره بازیابی ۵۹۱۲، ن، اث، ۲۵۳۳۶۳ در کتابخانه ملی موجود است. این مثنوی را شرکت نسبی کانون کتاب نیز با عنوان «داستان شیرین شیخ ابوالپشم» چاپ کرده است. متأسفانه نسخه‌های چاپی نام برده، بسیار نادر و کم‌یاب است و بتازگی هم چاپ نشده است.

انتساب

تقریباً هیچ دلیل و سند معتبری دال بر صحت انتساب این مثنوی به شیخ بهایی در دست نیست. اگر این اثر را شیخ بهایی سروده بود، بی‌گمان در تذکره‌ها و کتب احوال علمای آن عصر، ابیاتی از آن ثبت شده بود یا این که حداقل نامی

از آن در جایی مضبوط بود. بعید به نظر می‌رسد که این اثر از شیخ باشد و در آن زمان که میل و توجه مردم از خاص و عام به سوی ادبیات و داستان‌های عامیانه جلب شده بود، مورد توجه قرار نگرفته و گمنام مانده باشد؛ آن هم در حالی که سراینده آن نامداری چون شیخ بهایی باشد.

همان طور که گفته شد، این اثر با نام منظومه مذمت شکم پرستان (=مثنوی در مطایبه = قصیده در هجو فرد اکول و شکم خوار = منظومه شیخ ابوالپشم) در کتابخانه مجلس (بهارستان) دو نسخه دارد که به نام «ابوالبرکات منیر بن عبدالمجید لاهوری ملتانی» (م. ۱۰۵۴ هـ) ثبت شده است.

ناجی نصرآبادی نوشته است که این مثنوی در جایی به نام شخصی «خالصا» نام، آمده؛ ولی عنوان نکرده که در کجا به نام این شخص ثبت شده است (رک: ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۴۴).

منظومه در تعبیر رؤیا

در نگاه نخست این منظومه، به دو پاره تقسیم می‌شود. پاره اول که شامل ۱۵۴ بیت است در وزن (فاعلاتن/مفاعلتن/فع لن) سروده شده و پاره دوم با ۱۰ بیت، به وزن (فاعلاتن/فاعلاتن/فاعلتن) است.

این مثنوی با نام خداوند و مدح پیامبر و علی (ع) آغاز شده است و سراینده می‌گوید که این تعابیر را از قول حضرت یوسف (ع) بیان می‌کند.

مسائل و موضوعات مطرح شده در این مثنوی به ترتیب از این قرار است:

- دروغ بودن خواب اول شب، دیر رسیدن به خواب نیمه شب و اعتبار خواب هنگام صبح.

- خواب را به چند کس نباید گفت: ابله، کودک، منافق، جفت و مجنون.

- بیان دیر یا زود ظاهر شدن اثر خواب بر اساس روزی که خواب دیده شود.

- و تعبیر به خواب دیدن بعضی حالات و اجسام و اشیا و...

ابیات آغاز و انجام این مثنوی به ترتیب چنین است:

ابتدا می‌کنم به نام خدا خالق و صانع زمین و سما
(شیخ بهایی، بی تا: ۱۴۷)

آن که بیند خواب عرش ذوالجلال یافت امید و شود صاحب کمال
(همان، ۱۵۸)

نسخه خطی و چاپی

از این منظومه در هیچ یک از منابع نسخه‌ای ثبت نشده است. تنها سند در رابطه با این که از این اثر نسخه خطی در دست بوده، اشاره حاج سقزاده واعظ در کتاب سرالمستتر است که پیش از نقل این مثنوی می‌گوید: «...از نسخه‌ای خطی استفاده گردید». این احتمال وجود دارد که سقزاده واعظ، این منظومه را از نسخه یکی از آثار شیخ بهایی یا نسخه اثری دیگر همچون یک جُنگ یا کشکول اقتباس کرده باشد.

تنها صورت چاپی از این اثر که به نظر رسید، در ضمن همان «سرالمستتر» است که در تهران چاپ سنگی شده است.

انتساب

در مورد انتساب این اثر به شیخ بهایی باید گفت که اگرچه جز اشاره سقزاده واعظ به این که این مثنوی را شیخ بهایی منظوم ساخته است، سند دیگری در دست نیست با این وجود دلیل محکمی هم وجود ندارد که با اتکا به آن بتوان انتساب این منظومه را به شیخ بهایی رد کرد. از سویی با توجه به علاقه بسیار شیخ به موضوعات این‌چینی که از فحوای مطالب کشکول روشن می‌شود، به نظر می‌رسد، منظوم ساختن تعبیر خواب ابن سیرین از او بعید نباشد. آنچه در انتساب این منظومه به شیخ تا حدی می‌تواند تردید ایجاد کند، مشکلات وزن و قافیه، ابهام در معنای پاره‌ای از ابیات و همچنین آشفتگی محتوایی ابیات است که البته ممکن است، در گذشت زمان و در کتابت‌ها و نقل و انتقالات مکرر رخ داده باشد؛ ولی این نابسامانی‌ها با توجه به این نکته که آثار شیخ در زمان خود او نیز از ارزش بسیار برخوردار و مورد توجه فراوان خاص و عام بوده است، نسبت به آثار شیخ بعید می‌نماید. بالطبع چنین منظومه‌ای از آن جهت که از خامه شهیر شیخ بهایی چکیده و موضوع آن باب طبع خاص و عام است، باید نسخه‌ها و رو نوشت‌هایی داشته باشد که آن را از پراکندگی و فراموشی حفظ کند.

مثنوی رموز اسم اعظم

این مثنوی در ۱۰۱ بیت سروده شده و موضوع اصلی آن، لغز و معما و بیان نکته‌ها و ویژگی‌هایی از اسم اعظم است. آغاز این مثنوی چهار بیت است، در مناجات با خداوند و از بیت پنجم به بعد به بیان خاصیت حروف و اسما پرداخته است. به عقیده شاعر، در حروف، رموزی نهفته است که تنها اهل معانی از آن باخبرند. شاعر می‌گوید، هر یک از هزار و یک اسم خداوند فایده‌ای دارد؛ ولی در میان اسمای الهی، اسم اعظم است که عقل‌ها از آن خبر ندارد و تنها انبیای الهی آن را می‌دانند. شاعر می‌گوید اگر این اسم را مطابق آداب و ترتیب و عدد تکرار کنی، قفل هر کاری را می‌گشاید. اسم اعظم چهارده خاصیت دارد اما اسرار این اسم را بتمامی نمی‌توان باز گفت. چرا که اگر عامه از آن با خبر شوند، ممکن است از خواص آن اسم سوء استفاده کنند و بیهوده خلق را بیازارند. به این ترتیب شاعر به صورتی معماگونه، پاره‌ای از نشانی‌ها و ویژگی‌های اسم اعظم را بیان می‌کند.

نسخه‌های خطی و چاپی

نسخه‌ای با این نام در هیچ یک از فهرست‌ها دیده نشد. تنها نسخه‌ای از رساله‌ای کوتاه و منظوم در خواص حروف موجود است که به شیخ بهایی منسوب شده است. این نسخه، در کتابخانه ملی ملک موجود است و تاریخ ندارد. ابیات آغاز و انجام این رساله که در کتابشناسی شیخ بهایی ذکر شده است، نزدیکی بسیاری با سیاق مثنوی رموز اسم اعظم دارد. تحقیق این مسأله که آیا این رساله همین مثنوی رموز اسم اعظم است یا خود اثری دیگر، لازم به نظر می‌رسد؛ اگرچه احتمال یکی بودن این دو اثر بسیار است. ناجی درباره این رساله نوشته است که «شاید جزیی از رساله جفر یا دیوان شیخ باشد» (رک: ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۲۷-۶۲۸). ابیات آغاز و انجام این رساله چنین است:

گنج اسرار الهی حرف است گهر مخزن شاهی حرف است»

(شیخ بهایی، مثنوی رموز اسم اعظم، بیت ۱)

بیش از این کاشف اسرار مباحش دم مزن دیگر عیار مباحش

(همان، بیت ۱۰۱)

تنها نسخه چاپی این مثنوی نیز همان طور که پیش از این نیز اشاره شد، در کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی است که به کوشش غلام حسین جواهری فراهم شده است. در این نسخه، بیت آغاز «رساله خواص حروف»، نهمین بیت واقع شده و بیت پایانی آن در اواخر این مثنوی با اندکی تفاوت آمده است:

گنج اسرار الهی حرف است گوهر مخزن شاهی حرف است

بیش از این کاشف این راز مباحش راز پنهان کن و غماز مباحش

انتساب

این مثنوی به شیخ بهایی منسوب است و چنان‌که غلام‌حسین جواهری ذکر می‌کند در برخی نسخ به نام «عیانی» آمده است. وی به این نکته نیز اشاره کرده که سبک این مثنوی با سبک عمومی مثنوی‌های شیخ تناسب ندارد و گفته است: «از روی قیاس با مثنویات شیخ بهایی پیداست که نسبت نادرستی است، چون مثنویات شیخ بهایی قالب و اسلوبش به طرز دیگری است و اصولاً با این سبک مطابقت ندارد» (جواهری، بی‌تا: ۹۳).

اطلاعی از نسخه‌ای که به نام «عیانی» ثبت شده باشد، به دست نرسید. متأسفانه غلام حسین جواهری نیز به اطلاعات نسخه‌شناسی نسخی که از آن‌ها یاد کرده، اشاره‌ای نکرده است.

با این‌که در سه جای این مثنوی، تخلص «بهایی» آمده است، نمی‌توان انتساب آن به شیخ بهایی را مسلم دانست. البته قراین نشان می‌دهد که شیخ بهایی گاه برای رفع ملال و سرگرمی، لغز و معما می‌ساخته و به این نوع مسائل و مطالب بی‌اعتنا نبوده است؛ امروز لغزهایی ساخته یا سروده او، از وی باقی مانده است.^۴ بنابراین نمی‌توان انتساب این اثر را نیز به شیخ، به طور کلی رد کرد. اگر چه سبک و مضامین سروده‌های شیخ بهایی چیز دیگری است، اما با توجه به تمامی ابعاد زندگی شیخ، سرودن یک چنین مثنوی از وی بعید نمی‌نماید.

پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش

پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش، کتاب یا رساله‌ای است مشتمل بر مناظره‌ای نمادین میان گربه و موش. در این اثر، گربه نماد عقل و نماینده طالبان علم، و موش نماد نفس اماره و نماینده صوفیان است. در جریان داستان، گربه و موش روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و پس از مناظرات بسیار، گربه موش را که دائم در پی راه فراری است، فریب داده، به چنگ می‌آورد و می‌خورد.

این اثر که شیوه داستان پردازی آن تا حدی یادآور قصه‌های کلیله و دمنه و مرزبان نامه است، ساختاری تودرتو و پیکره‌ای منسجم دارد به طوری که در جریان آن حکایات متعددی به همراه ابیات، امثال و آیات و احادیث بسیار، نقل می‌شود. تمام این عناصر که شکل دهنده پیکر اصلی داستان هستند با رابط‌های معنایی محکمی به هم پیوسته‌اند.

تمیم‌داری در کتاب عرفان و ادب در عصر صفوی، موش و گربه شیخ بهایی را تقلیدی از «موش و گربه» عبید زاکانی دانسته است (رک: تمیم‌داری، ۱۳۷۳: ۲، ۶۹۱). در حالی که میان این دو اثر شباهتی جز نام شخصیت‌ها دیده نمی‌شود.

نسخه‌های خطی و چاپی

در کتاب شناسی شیخ بهایی، از این اثر، به یازده مورد نسخه خطی اشاره شده که اقدام این نسخ از این قرار است:

- مربوط به سال ۱۱۶۸، در موزه بریتانیا، به شماره ۱۰۹۹۸.

- مربوط به سال ۱۲۰۸، در کتابخانه ملی تبریز، به شماره ۳۱۷۴.

- مربوط به سال ۱۲۵۴، در کتابخانه آیه الله مرعشی، به شماره ۲۸۵۸.

این اثر تا کنون ده بار به نام شیخ بهایی به چاپ رسیده است. قدیمی‌ترین چاپ این اثر، در سال ۱۳۴۶ق. در مصر به همراه «نان و حلوا» و «شیر و شکر» و «نان و پنیر» و «موش و گربه عبید زاکانی» صورت گرفته و جدیدترین چاپ آن توسط نشر «پویش اندیشه» در اصفهان در سال ۱۳۸۵ به کوشش حمیدرضا شیرانی بوده است.

این اثر توسط دلال عباس به زبان عربی ترجمه شده است، این ترجمه، «التدین و النفاق بلسان القط و الفار» نام دارد و در سال ۱۹۹۵ میلادی منتشر شده است (رک: پایگاه اینترنتی <http://poetry.ir/archives/000114.php>).

انتساب

در مورد صحت انتساب این اثر به شیخ بهایی تردید است، در حالی که عده‌ای این اثر را بیقین از شیخ بهاء‌الدین عاملی می‌دانند و برای اثبات این انتساب همین مطلب را کافی می‌دانند که در مقدمه این اثر، نام شیخ بصراحت آمده است: «الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی اشرف المرسلین و آله الطیبین الطاهرین و بعد. چنین گوید محمد المشتهر به بهاء‌الدین...» (شیخ بهایی، ۱۳۷۲: ۲۱۴). یکی از دلایلی که برای رد انتساب این اثر به شیخ بهایی مطرح شده است، این است که مضمون این اثر در نکوهش صوفیه و تصوف است؛ ولی چنان‌که از آثار و اشعار شیخ پیداست، نسبت به تصوف و صوفیه بی‌میل نبوده، بلکه تمایل بسیاری نسبت به این فرقه داشته است.

جهانگیری ضمن مقاله‌ای، اعتراف شیخ در رساله «وحدة الوجودیه» به این‌که برخی از مذووقات این جماعت را چشیده و تجلیاتی را ملاقات کرده است، دلیلی برای رد عقیده کسانی دانسته است که گربه و موش را دست‌مایه‌ای قرار داده‌اند تا به این وسیله وی را از اتهام به تصوف برهانند (رک: جهانگیری، ۱۳۵۵: ۸۷). ولی گویا وی به این مسأله توجهی نداشته که این رساله و حتی همان گربه و موش به شیخ منسوب است و نمی‌تواند دلیل قاطع برای اثبات چیزی باشد.

در مقدمه کلیات شیخ بهایی که در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در تهران به صورت چاپ سنگی منتشر شده، آمده است که کتابی به همین شیوه گربه و موش شیخ بهایی به فارسی به نام «جواهرالعقول» به ملا محمد باقر مجلسی منسوب است که در سال ۱۳۲۴ در بمبئی چاپ شده است. سعید نفیسی نیز در «کتاب احوال و اشعار شیخ بهایی» خاطر نشان کرده است که کتابی به همین شیوه و روش، به فارسی، به نام «جواهرالعقول» به ملا محمد باقر مجلسی منسوب شده است؛ ولی آن‌چنان که از پاره‌ای از این اثر که در کتاب «علماء مجلسی و آثار فارسی او» آمده است، برمی‌آید، شباهت این اثر با گربه و موش منسوب به شیخ بهایی از همانندی در شیوه و روش گذشته و تقریباً این دو اثر را یکی کرده است. با اندک تفاوتی که آن هم ممکن است، بر اثر سهو و خطای کاتبان و یا اغراض مغرضان پدید آمده باشد. در صورتی که موش و گربه (جواهرالعقول) را صورت بازنویسی شده گربه و موش شیخ بهایی بدانیم و به این دلیل، اختلافات دو اثر را توجیه کنیم، باز هم جداکردن این دو عنوان به نام دو اثر جداگانه درست نیست.

در ابتدای کتاب منسوب به ملا محمد باقر مجلسی مقدمه‌ای وجود دارد که در شرح احوال و حالات مؤلف آن و چگونگی شروع کتاب است. این مقدمه البته با مسامحه بسیار، نثر سعدی را در گلستان و مقدمه او را در باب چگونگی ابتدا به تصنیف گلستان به یاد می‌آورد. در این مقدمه، نامی از مؤلف برده نشده است. البته جای تذکر است که مضمون این مقدمه چندان با اندیشه‌ها و عقاید مجلسی دوم هم‌خوانی ندارد، اگرچه در نگاه اول، انتساب این اثر به مجلسی دوم، موجه‌تر از انتساب آن به شیخ بهایی به نظر می‌رسد.

در مورد انتساب این اثر، این احتمال وجود دارد که «موش و گربه» یا «جواهرالعقول» در اصل همان «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» شیخ بهایی باشد که از آن‌جا که ظاهراً با عقاید و مرام شیخ بهایی تناسب ندارد و به اندیشه‌ها و تفکر محمد باقر مجلسی نزدیک‌تر می‌نماید، به این علامه منسوب شده باشد. عده‌ای نیز که ظاهراً از اهل تصوف و صوفی‌مشربان بوده‌اند، از آنچه وی در مقدمه زادالمعاد گفته و نامه‌ای که مؤلف طرائق الحقایق به او نسبت داده است و دلیلی بر صحت آن در دست نیست، وانمود کرده‌اند که موضوع مخالفت مجلسی دوم با صوفیه حقیقت ندارد (رک: دوانی، ۱۳۷۰: ۴۰۸). اما نگاهی به تاریخ این عهد روشن می‌کند که مجلسی دوم «نه تنها میانه‌ای با صوفیان نداشته؛ بلکه سخت بر این فرقه تاخته و تمام فرقه‌های آن‌ها را از نظر دینی و منطق شیعه مردود و مطرود دانسته، اعمال و اذکار آنان را بدعت و گمراهی شمرده است» (همان، ۴۱۶). تا جایی که در رساله اعتقادات، در رد انتساب پدر خود به صوفیه می‌نویسد: «مبادا گمان بد در حق پدرم علامه مجلسی ببری و او را صوفی بدانی زیرا وی پاک‌تر از این است که دامنش به لوث تصوف آلوده شود و من از هر کس آشناتر به حال پدرم می‌باشم» (همان، ۴۱۰).

آنچه در صحت انتساب این اثر به شیخ بهایی تردید ایجاد می‌کند، تضادی است که ظاهراً میان مضمون اثر و عقاید و اندیشه‌های شیخ بهایی دیده شده است. به طوری که در آثار شیخ دیده می‌شود، به عرفان و تصوف علاقه بسیار داشته است و شاید همان گونه که سعید نفیسی با اطمینان می‌گوید «قطعاً مشرب تصوف داشته و طبعاً به عرفان و سلوک متمایل بوده است» (نفیسی، ۱۳۷۲: ۳۹). وی بنا به گفته علامه مجلسی، «اهل چله نشینی و ریاضات شرعی بوده و به شاگرد خود، محمد تقی مجلسی، تعلیم ذکر داده است» (ملازاده، ۱۳۷۷: ذیل بهاء‌الدین العاملی). شیخ به ترک تعلقات و مجاهده با نفس و عزلت و دوری گزیدن از دنیا و مافیها متمایل بوده است. وی حتی در انتخاب نام آثارش نیز به این موضوع نظر داشته است چنان‌که «نان و حلوا» و «شیر و شکر» را به عنوان نماد مادیات و لذات دنیوی به کار برده است و در ضمن قصه «گربه و موش» نیز، اگر آن را از شیخ بهایی بدانیم که گربه را نماد عقل و موش را نشان نفس اماره می‌داند، سخن از «نان و حلوا» و «نان و یخنی» و «کلوچه قندی» و «ران گنجشک» به میان می‌آورد و موش (نفس) به هوای همین‌ها، گربه (عقل) را می‌فریبد و بر او دست می‌یابد.

ناجی نصرآبادی، در کتابشناسی شیخ بهایی می‌گوید که «این کتاب را به شیخ بهایی منسوب دانسته‌اند و بعضی آن را از آثار مجلسی دوم و در پاره‌ای موارد از میرداماد و یا جمال الدین محمد بن محمد فراهانی معرفی کرده‌اند. وی بر این باور است که با توجه به آن‌که تاریخ کتابت اولین نسخه شناخته شده این اثر سال ۱۱۶۸ قمری است که با تاریخ فوت شیخ بهایی حدود ۱۳۸ سال اختلاف دارد؛ این مسأله با توجه به شهرت شیخ بهایی و آثار او، غریب می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد، انتساب این اثر به شیخ بهایی مقرون به صواب نیست» (ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۱۸-۶۱۹).

نسخه‌ای خطی با نام «جواهرالعقول (=العقود) فی مناظره الفأر والسَّور = موش و گربه = حکایت موش صوفی و گربه

طالب علم»، نیز به زبان فارسی به شماره ۵۶۸۱، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که مناظره‌ای است تمثیلی در باب تصوف (معایب صوفیه) به نثر، میان موش صوفی و گربه دانشمند که در قالب داستانی انتقادی به نام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ) با سربندهای «حکایت» ساخته شده است. مؤلف این اثر بر طبق اطلاعات این نسخه، «جمال الدین محمد بن حاجی محمد فراهانی سپاهانی»، متخلص به «صدقی» (اواخر سده ۱۱ هجری) است (رک: متقی، ۱۳۸۸: ۶۷۰).

نکته دیگری که در پایان این بخش شایسته یادآوری است، این‌که نقل این قصه موش و گربه، به «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» و «جواهر العقول» منحصر نمی‌شود. داستان این بحث و مناظره میان موش و گربه، حکایتی است که جز این دو مورد باز هم نظیر دارد. در «جامع الحکایات» یا «چهل و شش حکایت» که کتاب مجهولی است، از نویسنده یا گردآورنده‌ای ناشناس، حکایتی (حکایت چهل و دویم) تحت عنوان «در قصه موش و گربه و گرفتن گربه موش را و مکر کردن موش مرگربه را و خود را از دست او رهانیدن و احوالات او»، آمده است که روایت دیگری از قصه موش و گربه است. نوع روایت و جمله‌بندی این حکایت با قصه منسوب به شیخ بهایی فرق می‌کند و در طی جریان آن، تنها به حکایت بلند «دختر پادشاه و پسر عمویش» پرداخته شده است و خالی از ابیات و اشارات لطیف داستان «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» است. در مقدمه این کتاب که توسط ماناسریان نوشته شده، به این نکته اشاره شده است که درباره گردآورنده این کتاب اطلاعی در دست نیست؛ ولی ظاهراً به دوره صفوی مربوط می‌شود. به هر جهت بعید نیست که قصه موش و گربه، حکایت مشهور و معروفی بوده باشد که نویسندگان مختلف هر یک مطابق با فکر خود و برای پی‌گیری مقصود مورد نظر خویش آن را به گونه‌ای روایت و بازنویسی کرده باشند.

نتیجه

در تاریخ ادب فارسی، انتساب آثار به بزرگان شعر و ادب، پدیده‌ای معمول و مکرر است که گاه از روی قصد و غرض و گاه ناخواسته و ناآگاهانه پیش آمده است؛ ولی انتساب آثار به شیخ بهایی، شاید بیش از هر عالم و نویسنده‌ای در تاریخ این مرز و بوم اتفاق افتاده باشد. این نادره روزگار، که این نوشتار نمودار بخش کوچکی از آثار منسوب به اوست، دانشمندی است که به معنای واقعی کلمه از همان گروه عالمانی است که عرب ایشان را موسوعیون نامیده‌اند؛ یعنی عالم به تمام علوم زمان و به نوعی دایرة المعارف ناطق. به نظر می‌رسد این جامعیت به همراه تسلط او به دو زبان عربی و فارسی و نیز شهرت و آوازه او که به گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی آن دوران رسیده بود، از عواملی است که به فزونی این انتساب‌ها دامن زده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- جامع عباسی رساله‌ای فقهی است در ۲۰ باب که شیخ بهایی تنها پنج باب اول آن را تألیف کرده است و باقی آن را شاگردش نظام الدین ساوجی به دستور شاه عباس و مطابق با طرحی که استادش در نظر داشته، نوشته و تنظیم کرده است.
- ۲- صادقی در یادداشت‌های ارزشمند خود نوشته است: «شیخ بهاء‌الدین عاملی معروف به شیخ بهایی دو رساله یکی به زبان فارسی و دیگری به زبان عربی در موضوع «کر» دارد. عنوان رساله فارسی «تحفه» است که به نام سلطان محمد خداپسند تألیف

شده و چند نسخه خطی از آن وجود دارد و هنوز چاپ نشده است (رک: آغابزرگ، ۱۳۹۸: ۳، ۴۰۲) (صادقی، ۱۳۸۷). در پایگاه اینترنتی <http://kashkool.kateban.com/cat153.html>.

۳- رفیع اللّٰه محمد بن حیدر بن زین‌الدّین علی بن حیدر طباطبایی، عالم فقیه حکیم زاهد متکلم از بزرگان علما و فقها و اجلّه حکمای زمان صفویه بوده است. در اغلب کتب نام او به عظمت و احترام برده شده و عموماً وی را به جلالت قدر و نبالت شأن ستوده‌اند. در حدود سال ۱۰۰۰ متولد شد و در ۷ شوال ۱۰۸۲ وفات یافت و در تخت فولاد مدفون شد و بر قبرش گنبدی عالی بنا کردند که اکنون جزو آثار باستانی اصفهان به شمار می‌رود. وی از شاگردان میر فندرسکی، میر داماد، ملا عبدالله شوشتری، و شیخ بهایی بوده است. از آثار اوست: (۱) اقسام التّشکیک. (۲) ثمره: تخلص کتاب شجره از مؤلفات خودش. (۳) حواشی بر کتاب «مختلف» علامه. (۴) حاشیه بر شرح حکمه العین امیرک بخاری. (۵) حاشیه بر شرح مختصر عضدی. (۶) حاشیه بر مدارک الأحکام. (۷) شرح اصول کافی به روش فلاسفه. (۸) شجره الهیه در اصول دین به فارسی به نام شاه صفی صفوی. (۹) شرح ارشاد الأذهان علامه حلّی. (۱۰) شرح صحیفه کامله. (۱۱) رساله در طهارت و صلوات. (۱۲) رساله در سریان وجود. (۱۳) سؤال و جواب در طهارت و صلوات که شاگردش سید محمد مهدی بن محمد رضا مشهدی یادداشت کرده است (ر.ک. مهدوی، ۱۳۸۴: ۶۴۹). ذیل میرزا رفیعا نائینی).

۴- از این دست است: لغز الزّیده = اعجاز الأصناف = اعجاز الألفاظ = لغز الرّضویه: شیخ بهایی این رساله را برای تقویت ذهن و رفع کسالت خواننده در سال ۱۰۲۱ در مشهد نوشته و آن را برای محمد بن خاتون عاملی ارسال کرده است. این کتاب تعداد قابل توجهی حاشیه و شرح دارد (رک: ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۹۴). شیخ بهایی لغزهایی به نثر عربی نیز دارد که به گفته نفیسی «مجموعه‌ای از آن در کتابخانه عمومی معارف در تهران است که مؤلف، «فهرست الغاز والتعمیه» نام نهاده و گوید چند تن بعضی از آن را شرح کرده‌اند» (نفیسی، ۱۳۱۶: ۱۰۷). از جمله این لغزها «لغز الصّمدیه» در نحو، «لغز القانون» در طب، «لغز الکافی» در نحو (لغز النّحویه)، «لغز الکشاف» درباره کتاب الکشاف عن حقایق التّنزیل جارالله زمخشری و نیز الغاز پراکنده دیگری است که محسن ناجی در کتاب شناسی شیخ بهایی به آن‌ها اشاره کرده و نسخ هر یک را نام برده است (ر.ک. ناجی نصرآبادی: ۵۰۱-۵۱۸).

منابع

- ۱- آل داود، سید علی. (۱۳۷۸). «طوطی‌نامه منسوب به شیخ بهایی تصحیح یک اشتباه». معارف. دوره ۱۶. ش ۳. ص ۶۸-۷۲.
- ۲- آغا بزرگ تهرانی، محمدحسن. (۱۴۰۸). الذّریعه إلى تصانیف الشّیعه. ج ۳ و ۲۸ و ۳۰. به کوشش علی نقی منزوی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ۳- ----- (۱۴۰۶). الذّریعه إلى تصانیف الشّیعه. ج ۲۴. به کوشش احمد الحسینی. بیروت: دارالأضواء.
- ۴- ----- (۱۳۸۱). الذّریعه إلى تصانیف الشّیعه. ج ۱۹. نجف: مطبعة الآداب.
- ۵- پناهی، مهین. (۱۳۷۰). علّامه مجلسی و آثار فارسی او. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- ۶- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۷۳). عرفان و ادب در عصر صفوی. ج ۲. تهران: حکمت.
- ۷- دوانی، علی. (۱۳۷۰). علّامه مجلسی. تهران: امیرکبیر.
- ۸- زرّین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۱). از چیزهای دیگر. تهران: اساطیر.

- ۹- ----- (۱۳۷۵). از گذشته ادبی ایران. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۱۰- شیخ بهایی، بهاء الدین محمد بن حسین. (۱۳۷۲). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی. (به اهتمام) سعید نفیسی. تهران: چکامه.
- ۱۱- ----- (بی‌تا). کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهاء‌الدین محمد‌العاملی مشهور به شیخ بهایی. (به اهتمام) غلام‌حسین جواهری. تهران: کتاب‌فروشی محمودی.
- ۱۲- ----- (بی‌تا). سرّ‌المستتر. حاج سقّازاده واعظ. تهران: بی‌نا.
- ۱۳- ----- (بی‌تا). حکایت خوش عبارت جناب شیخ ابوالپشم. شیراز: کتابخانه معرفت (چاپ سنگی).
- ۱۴- ----- (۱۱۴۴ق.). نان و خرما. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی ۴۴۴۵۰. (نسخه خطی).
- ۱۵- صدرایی خوبی، علی. (۱۳۸۶). «نویافته‌هایی درباره شیخ بهایی». در حدیث اندیشه. شماره ۱۶. ص ۵-۱۵.
- ۱۶- ماناسریان، آرمان. (۱۳۸۹). مقدمه و تصحیح نسخه جامع الحکایات یا چهل و شش حکایت. پایان‌نامه دکتری دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.
- ۱۷- متقی، حسین. (۱۳۸۸). «گزیده‌ای از دست‌نویس‌های طنز، هزل، هجو و محاضرات ادبی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی». در پیام بهارستان. دوره ۲. سال ۱. ش ۴. صص ۶۷۰-۶۷۴ و ۷۱۶-۷۱۸ و ۷۲۵.
- ۱۸- ملّازاده، محمد‌هانی. (۱۳۷۷). بهاء‌الدین‌العاملی. در دانشنامه جهان اسلام. ج ۴، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- ۱۹- منزوی، علی‌نقی. (۱۳۵۸). «پند اهل دانش و هوش - موش و گربه». آینده، سال پنجم. ش ۱۰ و ۱۱ و ۱۲، ص ۹۸۵.
- ۲۰- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۴). دانشمندان و بزرگان اصفهان (۱) و (۲). رحیم قاسمی و محمد‌رضا نیلفروشان. اصفهان: گلدسته.
- ۲۱- ناجی نصرآبادی، محسن. (۱۳۸۷). کتابشناسی شیخ بهایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۲۲- نفیسی، سعید. (۱۳۱۶). احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی. تهران: چاپخانه اقبال.
- ۲۳- «نکاتی درباره دکتر دلال عباس» در پایگاه اینترنتی (تاریخ بازیابی: ۱۳۸۹/۳/۲۰):
- <http://poetry.ir/archives/000114.php>
- ۲۴- «بانک اطلاعات نسخ خطی» در پایگاه اینترنتی (تاریخ بازیابی: ۱۳۸۹/۴/۵):
- <http://www.aghazorg.ir>
- ۲۵- «یادداشت‌های محسن صادقی تحت عنوان «گفته‌ها و ناگفته‌هایی درباره شیخ بهایی»» در پایگاه اینترنتی (تاریخ بازیابی: ۱۳۸۹/۵/۱۴):
- <http://kashkool.kateban.com/cat153.html>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی